

**"Research article"****Doi: 10.71767/jinev.2024.1225524****Classroom Management Skills: An Autoethnographic Study¹**Morteza Bazdar Qamchi Qayeh^{1*}

(Received: 2025.11.22 - Accepted: 2026.01.31)

1- This article is derived from an independent research

2- Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran

*- Corresponding Author: M.Bazdar@cfu.ac.ir

Abstract

In contemporary educational contexts, teachers are expected to possess a range of professional competencies, among which classroom management is considered one of the most essential. Numerous perspectives and theories have been proposed to explain these skills. However, due to the dynamic and diverse nature of social contexts and educational environments, teachers' classroom management skills are inherently context-specific, and their explanation through non-indigenous or decontextualized theories is often ineffective. This study employed an auto ethnographic (autobiographical) approach. Specifically, the research aimed to elucidate the researcher's lived experiences over a 20-year teaching career within the framework of classroom management skills. In the initial stage, the researcher documented these experiences in the form of open narrative texts. Subsequently, qualitative content analysis was used to identify and interpret categories related to classroom management skills. Based on the findings of the present study, the most important classroom management skills for teachers in the contemporary era include: situational awareness and proactive prevention, authority, classroom rapport, empathy in the classroom, subject-matter mastery and instructional planning, sustained communication, assessment for learning, the use of assessment as a tool for classroom management, and students' cognitive engagement.

Keywords: Teacher, Classroom Management Skills, Auto ethnography



مهارت‌های مدیریت کلاسی: یک پژوهش خودزیست نگارانه^۱

مرتضی بازدارقمچی قیه^۲

(دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱)

چکیده

امروزه برای معلمان مهارت‌های چندگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود که یکی از مهم‌ترین این مهارت‌ها، مدیریت و کلاس‌داری است. دیدگاه‌ها و نظریه‌های متعددی برای تبیین این مهارت‌ها مطرح شده است. اما به دلیل وجود شرایط متغیر و متنوع بافت اجتماعی و محیط‌های آموزشی، مهارت‌های مدیریتی معلم ماهیتی منحصر به فرد داشته و تبیین آن با نظریه‌های غیرومی مؤثر نیست. در این پژوهش از شیوه خودزیست نگاری (اتوبیوگرافی) استفاده شده است. به عبارتی در این پژوهش سعی بر آن است تا تجارب زیسته محقق در مدت ۲۰ سال فعالیت در شغل معلمی در چارچوب مهارت‌های کلاس‌داری تبیین شود. محقق در مرحله اول پژوهش تجارب خود را به صورت متن‌های باز نگارش کرده سپس با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، مقولات مرتبط با مهارت‌های کلاس‌داری را شناسایی و تبیین کرده است. بر اساس نتایج پژوهش حاضر مهم‌ترین مهارت‌های کلاس‌داری معلم در عصر کنونی را می‌توان به شرح زیر برشمرد: شناخت و پیشگیری فعالانه، اقتدار، صمیمیت در کلاس درس، همدلی در کلاس درس، تسلط علمی و برنامه‌ریزی آموزشی، برقراری ارتباط مستمر، ارزشیابی برای یادگیری، آزمون ابزاری برای مدیریت و کلاس‌داری، درگیرسازی ذهنی دانش‌آموزان.

واژگان کلیدی: معلم، مهارت‌های کلاس‌داری، خود زیست نگاری

۱- این مقاله بر گرفته از یک پژوهش مستقل است.

۲- گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: M.Bazdar@cfu.ac.ir

مقدمه

امروزه نظام تعلیم و تربیت به عنوان یک عنصری کارآمد، نقش تعیین کننده‌ای در توسعه جامعه در ابعاد مختلف دارد. نقش تعلیم و تربیت، به حرکت درآوردن فرآیند توسعه همه جانبه بشر است که در طول زندگانی انسان‌ها با هدف شکوفایی فکری، جسمی، احساسی، اخلاقی و معنوی صورت می‌گیرد. از طرفی پیشرفت هر جامعه به چگونگی کیفیت آموزش و پرورش آن جامعه بستگی دارد و همه تر اینکه کلاس به عنوان یک عامل مهم در کیفیت تعلیم و تربیت نقش مؤثری دارد و مرکزی برای نظام پویای تعامل انسان است. هر روز هزاران رفتار کلامی و غیرکلامی به طور فردی و جمعی در کلاس اتفاق می‌افتد که در جای خود قابل تأمل است. همچنین تدریس به عنوان عنصری کارآمد در رشد تعلیم و تربیت نقش داشته است. بطور کلی رشد بی وقفه دانش و فناوری در جهان پسا مدرن کنونی توجه به حوزه تدریس را بیش از پیش مورد توجه قرار داده است. از طرف دیگر یکی موارد مهم حوزه تدریس مدیریت کلاس درس بوده است موضوع مدیریت کلاس از دیرباز به مثابه پیچیده‌ترین موضوع شناخته شده است و همواره با مشکلات و موانعی روبرو بوده است. مدیریت کلاسی شاید مهم‌ترین مهارتی باشد که یک معلم می‌آموزد تا زمانی که معلم در اداره و مدیریت کلاس ناتوان باشد نخواهد توانست کلاس موفق داشته باشد. تصمیماتی که در حوزه مدیریت کلاسی اتخاذ می‌شوند، نقش بسزایی در خلق جو مناسب ایفا می‌کنند. مدیریت کلاس درس به مفهوم "ایجاد شرایط لازم برای تحقق یادگیری است." بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که مهارت‌های مدیریت کلاس درس "سنگ بنای کل موفقیت در تدریس" است (اسکریونر^۱، ۲۰۱۲).

هنگامی که از معلمان در مورد چالش‌های حرفه معلمی سؤال می‌شود، آنها مدیریت رفتار دانش‌آموزان را هم چالش برانگیزترین بخش شغل معلمی و هم بخشی که کمتر برای آن آمادگی داشته باشند، گزارش می‌کنند. در حالی که این امر به ویژه در مورد معلمان تازه کار برجسته تر است. مدیریت کلاس درس به طور گسترده به عنوان بزرگترین چالش برای همه معلمان ذکر شده است. در واقع، چالش‌های مربوط به رفتار دانش‌آموز به عنوان علت اصلی فرسودگی معلم و ترک زود هنگام این حرفه ذکر شده است. به عبارتی، رفتارهای متعدد و متنوع دانش‌آموزان ایجاد می‌کند تا معلم مهارت‌های مدیریت در کلاس درس را به طور کامل کسب کند. اما آنچه که بیشتر صاحب‌نظران این حوزه بر آن اتفاق نظر دارند صرفاً آموزش یک استراتژی برای مدیریت در کلاس درس کافی نیست (وانگ و همکاران، ۲۰۱۵).

مدیریت کلاسی چیزی فراتر از ساکت و ساکن نگه داشتن دانش‌آموزان در کلاس است. مدیریت کلاس درس عبارت است از رهبری کردن امور کلاس درس از طریق: تنظیم برنامه درسی، سازماندهی منابع و مراحل کار، سازماندهی محیط به منظور ایجاد سهولت در نظارت بر دانش‌آموزان و پیش بینی مسائل بالقوه. مدیریت کلاسی عبارت است از هنر به کار بردن دانش تخصصی و بهره گیری از مهارت‌های کلاس‌داری

در هدایت دانش‌آموزان به سوی اهداف مورد نیاز و جامعه. به عبارتی دیگر مدیریت کلاسی یعنی مهیا کردن یک محیط آموزشی امن و افزایش فرصت یادگیری برای دانش‌آموزان با استفاده حداکثری از زمان کلاس درس در راستای آموزش به جای تحت نظم و ترتیب در آوردن دانش‌آموزان (کانستینگ و همکاران، ۲۰۱۶). مدیریت کلاسی موفق محیط آموزشی امنی را برای همه دانش‌آموزان مهیا می‌سازد تا بتوانند از نظر اجتماعی، عاطفی و آکادمیک رشد کنند و بیاموزند (ادواردز و کاشمن، ۲۰۱۵). استفاده مؤثر از راهکارهای مدیریت کلاسی به مدارس این امکان را می‌دهد تا محیطی امن برای رشد اجتماعی، عاطفی و آکادمیک دانش‌آموزان با کمک آموزگاران متعهد فراهم آورند (فورر و همکاران، ۲۰۱۴).

یادگیری نحوه مدیریت مؤثر کلاس درس برای معلمان تازه کار دشوار است. دلایل دشواری در عدم توجه حرفه‌ای به این موضوع، عدم آمادگی رسمی در این زمینه توسط اکثر معلمان و فقدان آموزش مبتنی بر واقعیت در بسیاری از کلاس‌های تربیت معلم نهفته است. نومعلمان به این دلیل که برنامه‌های تربیت معلم بر جنبه نظری مدیریت کلاس تمرکز می‌کنند هنگام حضور در کلاس‌های واقعی با موقعیتی متفاوت در کلاس مواجه می‌شوند. بیشتر دانشجومعلمان بر این باورند که اگر برنامه‌های آماده سازی معلم تجربیات واقعی بیشتری را در مورد چگونگی حل مسائل مدیریت کلاس ارائه دهد مفیدتر خواهد بود (روچ و لوییز، ۲۰۱۱). از طرفی بررسی برنامه‌های تربیت معلم در نظام های آموزشی مختلف نشان می‌دهد که تمرکز اصلی این برنامه بیشتر بر روی موضوعات درسی، روش ها و فنون تدریس، شیوه های ارزشیابی بوده است در مقابل، مدیریت کلاس درس در این برنامه‌ها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و تقریباً اکثر برنامه‌های آماده سازی معلم کمتر از یک دوره را به مدیریت کلاس درس اختصاص می‌دهند. هیچ برنامه فارغ التحصیلی، سازمان‌های حرفه‌ای، کنفرانس های ملی، یا حتی مجلاتی در زمینه مدیریت کلاس درس وجود ندارد. این عدم تمرکز، مدیریت کلاس درس را در اولویت های پایین حرفه معلمی قرار داده است (آیزمن و همکاران، ۲۰۱۵). مدیریت کلاسی موفق محیط آموزشی امنی را برای همه دانش‌آموزان مهیا می‌سازد تا بتوانند از نظر اجتماعی، عاطفی و آکادمیک رشد کنند و بیاموزند. استفاده مؤثر از راهکارهای مدیریت کلاسی به مدارس این امکان را می‌دهد تا محیطی امن برای رشد اجتماعی، عاطفی و آکادمیک دانش‌آموزان با کمک آموزگاران متعهد فراهم آورند (آیزمن و همکاران، ۲۰۱۵).

در تحقیق اینگرسون^۶ که بر روی ۶۷۰۰ معلم در امریکا انجام داده شد مشخص شد که حدود ۳۰ درصد از ۴۰۰ معلمی که شغل خود را ترک کرده اند دلیل خود را سختی و استرس ناشی از کنترل رفتار دانش‌آموزان

1- Kunsting et al

2- Edwards and Cushman

3- Furrer

4- Roache, & Lewis

5- Eisenman, Edwards., & Cushman

6- Ingersoll

بیان کرده اند. در مطالعه ای که توسط (وابلز^۱، ۲۰۱۱) انجام شد نشان داده شد که معلمان موفق در زمینه مدیریت کلاسی بر روی یادگیری دانش‌آموزان تمرکز می‌کنند نه روی ساکت نگه داشتن آن‌ها. این معلمان در ابتدای سال تحصیلی دستورالعمل‌های خود را بدون سر در گم کردن دانش‌آموزان بیان می‌کنند. آن‌ها الگوی رفتار مناسب برای دانش‌آموزان هستند و در عین حال جلوی رفتارهای نامناسب را هم قبل از اینکه به مشکلی بزرگ تبدیل شوند می‌گیرند. کاوندیش^۲ (۲۰۱۲) در مطالعه‌ی خود بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی دریافت که معلمانی که دچار ضعف در توانایی مدیریت کلاس هستند بیشتر زمان خود را صرف نظم دهی به دانش‌آموزان می‌کنند و زمان کمتری برای آموزش می‌گذارند. این معلمان همچنین کنترل ناچیزی روی کلاس دارند که خود موجب از بین رفتن محیط آموزشی امن و در ادامه کاهش اعتماد به نفس دانش‌آموزان می‌شود.

کسب دانش مدیریت کلاس تنها نیمی از راه است. تا این دانش به مهارت تبدیل نشود معلم نخواهد توانست از آن در کلاس استفاده کند. با توجه به اهمیت بالای مدیریت کلاسی نیاز به داشتن اطلاعات و مهارت کافی در این زمینه برای هر معلمی ضروری است. بخشی از این مهارت‌ها در کنار دانش و مبانی نظری کسب شده، شامل رفتارها و اندیشه‌هایی است که به مرور زمان و با تکرار و تمرین به عادت تبدیل می‌شوند و یک معلم را در مسیر حرفه‌ای شدن، به جلو هدایت می‌کنند. لذا با توجه به مطالب فوق، در این مقاله سعی شده است تا بر اساس تجارب زیسته در کلاس‌های درس، مهم‌ترین مهارت‌های مدیریت کلاس را مشخص کنیم.

روش پژوهش

رویکرد حاکم بر پژوهش حاضر کیفی بوده که در آن از روش تحقیق خودزیست نگاری استفاده شده است. در این مقاله سعی شده تا مهارت‌های معلمی در کلاس‌داری بر مبنای تجربیات زیسته محقق از حضور بیست ساله در مدارس ایران به تصویر کشیده شده و تحلیل شود. محقق بعد از ورد به تربیت معلم به عنوان دبیر وارد آموزش و پرورش شده و به عنوان دبیر در مناطق مختلف آموزش و پرورش استان الف مشغول به خدمت شد. در سال ۱۳۸۳ در رشته مترجمی زبان انگلیسی ادامه تحصیل داده و موفق به اخذ مدرک کارشناسی شد. سپس دوره کارشناسی ارشد را در رشته برنامه ریزی درسی در دانشگاه شهید بهشتی تهران از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ به اتمام رساند و بلافاصله در همان دانشگاه در مقطع دکترا پذیرفته شده و در سال ۱۳۹۸ فارغ التحصیل شد. حضور در کلاس‌های اساتید برجسته دوره‌های تحصیلات تکمیلی، تحصیل و پژوهش در رشته مطالعات برنامه درسی و فعالیت به عنوان دبیر آموزش و پرورش در مدارس با

1- wubbles

2- Cavendish

شرایط مختلف، سه موقعیت برجسته ای بود که به عنوان منابع غنی تجربه از آن بهره برده است. به همین دلیل معتقد است تجربیات در حرفه معلمی می‌تواند برای علاقه مندان، نومعلمان و فعالان این حرفه در حوزه مدیریت کلاسی مفید باشد. برای اطمینان از اعتبار یافته‌های پژوهش، از روش چندسویه سازی استفاده شده است به این ترتیب که نتایج کار به افراد دیگری که تجربیات مشترکی داشته اند ارجاع داده شده و نظرات آنها در یافته‌ها اعمال شده است. علاوه بر آن، محقق در تمام متن سعی کرده تا با بهره‌گیری از نتایج سایر پژوهش‌ها و نیز دیدگاه‌های نظری، به یافته‌های این پژوهش تحکیم ببخشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بدون شک به منظور تدریس و نیل به اهداف نظام تعلیم و تربیت، وجود شرایطی ضروری است، از جمله این شرایط می‌توان به نظم حاکم بر کلاس به عنوان فاکتری مهم اشاره نمود، زیرا کلاسی که در آن اولین گام یادگیری (یعنی نظم و انضباط و مشارکت در فعالیت و جلب توجه فعال شاگردان) اعمال نگردد، به یقین نتایج مطلوبی نخواهد داشت. روش‌های مناسب مدیریت و کلاس‌داری در ایجاد انگیزه برای یادگیری دانش‌آموزان بسیار مؤثر می‌باشد. برای جلب توجه حرفه ای بیشتر به مدیریت کلاس درس، برنامه‌های درسی آموزش معلمان باید کانون توجه خود را تغییر دهند. اکثر معلمان استراتژی‌های مدیریت کلاس را به عنوان ابزاری برای کنترل رفتار دانش‌آموزان می‌بینند. با این حال، حرفه معلمی باید به مدیریت کلاس درس به عنوان ابزاری برای بهبود یادگیری دانش‌آموزان توجه کند. وقتی مدیریت کلاس درس بر رفتار نادرست دانش‌آموز تمرکز می‌کند، طبیعتاً این رشته از موضوعات و آموزش‌هایی که به‌طور مستقیم بر یادگیری تأثیر می‌گذارند عقب می‌ماند. باید نظریات، تحقیقات، راهبردها، قواعد و رویه‌های مدیریت کلاس را با توجه به تأثیر آنها بر یادگیری مورد توجه قرار داد. (آیزمن و همکاران، ۲۰۱۵).

آموزش و تدریس مؤثر به عنوان یکی از راهبردهای اساسی برای مدیریت بهینه کلاس درس است که می‌توان به عنوان استفاده دسته جمعی از شیوه‌های آموزشی معلم که احتمال موفقیت دانش‌آموز را به حداکثر می‌رساند تعریف کرد (اسکات، ۲۰۱۷). واضح است که هیچ استراتژی مطمئنی وجود ندارد که موفقیت آمیز باشد اما معلمان موفق راهبردهای مختلف، مواردی را انتخاب می‌کنند که متناسب با شرایط محیط و خود دانش‌آموزان باشد به عبارتی دیگر این راهبرد را بر حسب احتمال موفقیت‌شان در نظر بگیرند و آنها را با توجه به اثربخشی نسبی‌شان رتبه‌بندی کنند و به کار بگیرند. بنابراین معلمان خوب کسانی هستند که به طور مداوم شیوه‌های آموزشی و مدیریتی خود را بررسی کنند تا مواردی را انتخاب کنند که احتمال بالایی برای دستیابی به نتیجه مورد نظر را دارند. تدریس خوب باعث موفقیت دانش‌آموز می‌شود و موفقیت باعث موفقیت‌های اضافی می‌شود. یعنی دانش‌آموزی که موفقیت کوچکی را تجربه می‌کند، احتمال موفقیت‌های بعدی را افزایش می‌دهد که به صورت گلوله برفی به اعتماد به نفس و توانایی انتقال موفقیت آمیز مهارت‌ها

به دنیای خارج از محیط کلاس و مدرسه منجر می‌شود. بنابراین معلم واقعی کسی است که به طور متفکرانه با ارائه‌ها، کلمات، محیط‌ها و حتی ترفندها دانش‌آموزان را به سمت موفقیت سوق می‌دهد و البته در ادامه تمام اعتبار آن موفقیت را به دانش‌آموز می‌دهد. بر این اساس مدیریت در کلاس درس پایه ریزی می‌شود و کنترل کلاس درس برای معلم راحت تر خواهد بود (اسکات^۱، ۲۰۱۷).

برقراری روابط مناسب میان معلم و شاگرد نقش مهمی را در مهیا کردن یک محیط آموزشی امن و حمایت کننده ایفا می‌کند (شرزینگر و وتشتاین^۲، ۲۰۱۹). گاسر و همکاران^۳ (۲۰۱۸) معتقد هستند که این روابط باید بر پایه ی اعتماد، احترام، محبت و پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری ساخته شوند. معلمانی که برای دانش‌آموزان خود اهمیت قائل‌اند و به آن‌ها علاقه دارند تسلط بهتری بر روی انضباط دانش‌آموزان خواهند داشت. دانش‌آموزان زمانی که احساس کنند اهمیت دارند و آن‌ها را درک می‌کنند می‌توانند به خود کارآمدی، خودانضباطی و اعتماد به نفس دست پیدا کنند. معلمانی که به خود و دیگران احترام می‌گذارند، تفاوت‌های فردی مختص به هر فرد را می‌فهمند و تحمل می‌کنند و همچنین به موقعیت و شغل خود راضی و مشتاق هستند می‌توانند مدیریتی با محبت و دلسوزانه در کلاس پیاده کنند. شواهد بالا نشان می‌دهد که دانش‌آموزان با پیشینه‌ها و هویت‌های مختلف، از جمله نژاد، فرهنگ، زبان، توانایی و استعداد، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، هویت جنسیتی، و مذهب، ممکن است به تلاش‌های بیشتری برای تقویت یک رابطه با معلم خود نیاز داشته باشند. امدین^۴ (۲۰۲۰) خاطرنشان می‌کند که اگر مربیان این حقوق دانش‌آموزان را بشناسند و از آنها پیروی کنند، روابط مستمر و سختگیری در کلاس می‌تواند اتفاق بیفتد: حق احساس؛ حق اقدام؛ حق دوست داشتن و دوست داشته شدن؛ حق صحبت، حق دیدن و حق دانستن. این قوانین در نهایت از طریق روابط با دانش‌آموزان برقرار و حفظ می‌شوند و همچنین می‌توانند پیام قدرتمندی باشند که روی دیوار کلاس چاپ و نصب می‌شوند.

دمیرداگ^۵ (۲۰۱۵) در مطالعه ی خود بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی دریافت که معلمانی که دچار ضعف در توانایی مدیریت کلاس هستند بیشتر زمان خود را صرف نظم دهی به دانش‌آموزان می‌کنند و زمان کمتری برای آموزش می‌گذارند. این معلمان همچنین کنترل ناچیزی روی کلاس دارند که خود موجب از بین رفتن محیط آموزشی امن و در ادامه کاهش اعتماد به نفس دانش‌آموزان می‌شود. مدارس باید محیطی امن برای رشد عاطفی و آکادمیک دانش‌آموزان مهیا کنند.

1- Scott

2- Scherzinger and Wettstein

3- Gasser et al

4- Emdin

5- Demirdag

هایوود و همکاران^۱ (۲۰۱۳) طرحی برای افزایش فعالیت و درگیری^۲ دانش‌آموزان به وسیله ی روابط مؤثر میان دانش‌آموز و معلم ارائه دادند. سه حالت برای درگیر بودن دانش‌آموزان معرفی شدند: درگیر در افکار^۳، درگیر در احساسات^۴ و درگیر در عمل^۵. دانش‌آموز درگیر در افکار به صورت ذهنی در برنامه ریزی، تفکر و نظارت بر خود کنترلی خود فعال است. درگیری در احساسات شامل روابط دانش‌آموز با سایر دانش‌آموزان و معلم و همچنین احساس تعلق داشتن به کلاس و مدرسه به صورت کلی می‌شود. دانش‌آموز درگیر در عمل از طریق پیروی کردن از دستورالعمل‌ها، کامل کردن فعالیت‌ها و مشارکت صحیح در کلاس از خود در محیط مدرسه مشارکت فیزیکی نشان می‌دهد.

فورر و همکاران^۶ (۲۰۱۴) نشان دادند که سطح دانش و تخصص معلم در زمینه مطالب کلاس درس میزان احترام دانش‌آموزان نسبت به معلم را افزایش می‌دهد. این قضیه نشان می‌دهد که معلمان نیاز دارند به طور پیوسته به اطلاعات خود بیفزایند و همچنین توانایی خود در استفاده مؤثر از اطلاعات در کلاس را ارتقا دهند.

روچ و لوییز^۷ (۲۰۱۱) در مطالعه ای که در مورد درک معلمان از مدیریت کلاسی انجام گرفت به این نتیجه رسیدند که معلمان گاهی ممکن است که اطلاعی از میزان تأثیری که می‌توانند بر روی رفتار دانش‌آموزان بگذارند نداشته باشند و آن‌ها خیلی مواقع از تنبیه و رفتار پرخاشگرانه برای اصلاح رفتار دانش‌آموزان استفاده می‌کنند که معمولاً نتایج خوشایندی به دنبال ندارد. همچنین ریلی و همکاران^۸ (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان می‌دهند که معلمان رفتارهای پرخاشگرانه خود را با هیچ نظریه‌ای مرتبط نمی‌دانند. محقق اینطور نتیجه گیری می‌کند که بعضی از معلمان بدون اینکه اعمالشان را بر اساس هیچ یک از نظریه‌های مدیریت کلاسی تنظیم کنند عمل می‌کنند. محققان بیان می‌کنند که اینطور به نظر می‌آید که معلمان دانش و درک کافی از چهارچوب‌های نظری که می‌توانند آن‌ها را در زمینه مدیریت دانش‌آموزان راهنمایی کنند ندارند (به نقل از روچ و لوییز، ۲۰۱۱).

اوشر و همکاران^۹ (۲۰۱۰) درباره ی یک دیدگاه بوم شناختی^۷ در زمینه مدیریت کلاسی صحبت می‌کنند و معتقدند که فعالیت‌های مختلفی هستند که خود موجب ایجاد و حفظ نظم در کلاس می‌شوند. وظیفه ی اصلی معلم در این حالت ترغیب و تقویت دانش‌آموزان برای مشارکت در این فعالیت‌هاست. از این دیدگاه، مدیریت کلاسی یعنی ایجاد موقعیت‌های مناسب برای مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاسی و تمرکز اصلی معلم بر روی کل کلاس به صورت یک گروه و همچنین جهت دهی به فعالیت‌های کلاسی

1- Haywood et al

2- engagement

3- engaged in thought

4- engaged in feeling

5- engaged in action

6- Osher et al

7- ecological

است. این روش در سیستم‌های پرورشی دانش‌آموز محور مطرح می‌شود و چالش اصلی آن نیز دانش‌آموزان نامنظم هستند. بر طبق این روش حمایت‌های رفتاری مثبت مانند توجه کردن به دانش‌آموز و شرکت دادن دانش‌آموز در بحث‌های کلاسی از راهکارهای معمول مواجهه با دانش‌آموزان بی‌نظم است. اهمیت این پژوهش از آن جهت است که مهارت‌های مدیریت کلاسی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در فرایند یاددهی-یادگیری، نقشی تعیین‌کننده در کیفیت آموزش و تعاملات آموزشی ایفا می‌کنند. رویکرد خودزیست‌نگارانه در این مطالعه امکان واکاوی عمیق تجربه‌های زیسته معلم (محقق) را فراهم می‌سازد و به درک واقع‌بینانه‌تری از چالش‌ها، تصمیم‌ها و راهبردهای عملی مدیریت کلاس منجر می‌شود؛ امری که در پژوهش‌های کمی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند مورد استفاده معلمان، دانش‌جو معلمان و مربیان آموزشی برای بهبود عملکرد حرفه‌ای و ارتقای مهارت‌های مدیریت کلاس قرار گیرد. همچنین، برنامه‌ریزان درسی، دانشگاه‌های تربیت معلم و سازمان‌هایی نظیر وزارت آموزش و پرورش می‌توانند از نتایج آن در طراحی دوره‌های توانمندسازی معلمان، بازنگری برنامه‌های آموزشی و تدوین سیاست‌های حمایتی مؤثر بهره‌مند شوند.

یافته‌ها

در این مقاله سعی شده است تا مهارت‌های معلمی محقق در زمینه مدیریت و کلاس‌داری بر مبنای تجارب خودزیست‌نگارانه محقق از حضور بیست ساله وی در مدارس ایران به تصویر کشیده شده و تحلیل شود. لذا نتایج و یافته‌های حاصل از تحلیل این تجارب خود زیست نگاری در قالب ۹ مضمون یا کلید واژه شناسایی و ارایه می‌شود.

۱. شناخت و پیشگیری فعالانه

فرایند یادگیری شامل مجموعه‌ای از عناصر متعدد است که در نتیجه مداخله هر کدام از این عوامل، یادگیری اتفاق می‌افتد. بر اساس تجارب علمی و عملی نگارنده، شناخت یکی از مهم‌ترین کلید واژه‌های حرفه معلمی است. منظور شناخت از کلیه عوامل تأثیرگذار بر فرایند یادگیری است. شاید هر معلمی باید حداقل در شروع و حین کار در مدرسه شناخت کامل از موارد را داشته باشد، شناخت از کلاس شامل شرایط دانش‌آموزان، شرایط فیزیکی کلاس، شناخت از کل مدرسه شامل مدیریت مدرسه و عوامل آن و در نهایت شناخت از بافت اجتماعی که مدرسه در آن موقعیت قرار گرفته است. یکی از اساتید من در دوره تربیت معلم و در دوره کارورزی همیشه بر این مسأله تأکید می‌کرد و در ای زمینه می‌گفت: «شما حرفه خودتان را با شغل پزشکی مقایسه کنید. پزشکی موفق عمل می‌کند که تشخیص خوبی داشته باشد. و پزشکی تشخیص خوبی خواهد داشت که شناخت خوبی از بیمار، شرایط و علایم وی کسب کند. همین وضعیت برای معلم هم صدق می‌کند. معلمی که شناخت خوبی از موقعیت کاری خودش داشته باشد در کارش موفق می‌شود». از طرفی نگارنده بر این باور است که شناخت

کامل معلم از موقعیت دانش‌آموزان و نیز موقعیت مدرسه، علاوه بر اینکه به معلم اعتماد به نفس می‌دهد به معلم مهارت پیشگیری را فراهم می‌کند به طوری که می‌تواند بر مبنای این شناخت خویش، بسیاری از رفتارهای شاگردان را پیش‌بینی و از وقوع اتفاقات ناگوار در کلاس و محیط آموزشی پیشگیری کند.

در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ برنامه روزانه من برای دو مدرسه با شرایط متفاوت تنظیم شده بود. یک مدرسه خاص با دانش‌آموزانی از طبقات اجتماعی بالا و مدرسه‌ای دیگر واقع در حاشیه شهر با دانش‌آموزانی خاص‌تر. شناخت از شرایط و اوضاع دانش‌آموزان برای من به حدی پیش‌رفته بود که با تغییر مدرسه در یک روز، احساس می‌کردم یک فرد با دو ویژگی‌های متفاوت هستم. این شناخت از محیط آموزشی و دانش‌آموزان و نیز آگاهی از تفاوت‌های فردی و گروهی در مدیریت کلاسی به ویژه در مدرسه واقع در حاشیه شهر بسیار اثربخش بود.

۲. اقتدار

به نظر نگارنده حلقه گم شده حرفه معلمی در عصر حاضر، موضوع بسیار مهم اقتدار است. امروزه برای فرار از سبک مدیریتی مستبدانه در کلاس‌های درسی، اولین واژه‌های که مورد هدف و دستکاری قرار گرفته است، واژه اقتدار معلم در کلاس درس است. در دنیای کنونی که بسیاری از ابزارهای مدیریتی معلم بازتعریف شده است، تعریف اقتدار کار دشواری است. به اعتقاد نگارنده و بر اساس تجربیات کسب شده، اقتدار یکی از مهم‌ترین عامل بر مدیریت و کلاس‌داری موفق است. هر چند اقتدار و ارتقای جایگاه معلم ابتدا باید در سطح وسیع‌تر از مدرسه و محیط آموزشی یعنی جامعه توسعه یابد اما معلم خود باید بر این امر در محیط کلاسی تمرکز کند. ویژگی‌های شخصیتی، تدوین مقررات در آغازین روزهای کلاسی، رصد و پیگیری مقررات وضع شده و توجه دقیق بر این مقررات، تدوین برنامه‌های کلی آموزشی، از مهم‌ترین فعالیت‌ها برای برپایی مدیریتی با اقتدار در کلاس درس است. هر معلمی برای مدیریت بهینه کلاس و تثبیت اقتدار خود در کلاس درس نیاز به یک سری قوانین از پیش مشخص شده برای برخورد با مشکلات و نیازهای رایج دانش‌آموزان دارد. بهتر است که این قوانین در همان اوایل کلاس مشخص شده و به صورت عینی (مثلاً نوشته شده بر روی تخته) در معرض دید دانش‌آموزان قرار گیرند.

۳. صمیمیت در کلاس درس

جدیت یا صمیمیت، سهل‌گیری یا سخت‌گیری از مهم‌ترین کلید واژه‌هایی است که من در طول این سال‌ها معلمی با آنها درگیر بوده‌ام. در خیلی از موقعیت‌ها شاگردان معلمان خود را با این معیارها می‌سنجند. امروزه در بسیاری از کلاس‌های درس و با برداشت‌های غلط از رویکردهای نوین آموزشی، جایگاه دو واژه مهم جدیت و صمیمیت خیلی واضح نیست. در طول سال‌ها معلمی در مدارس مختلف مشاهده و تجربه کرده‌ام که صمیمیت بیش از حد، تعریف نشده و خارج از عرف بین معلمان و شاگردان، تیشه بر اقتدار معلم در کلاس درس زده و مدیریت کلاسی را برای معلم به موضوعی چالش برانگیز و پر تنش تبدیل کرده است. در یکی از کلاس‌های دوره ابتدایی (ششم ابتدایی) به عنوان راهنمای کارورزی مهمان بودیم و دانشجو معلم در حضور معلم راهنما

مشغول تدریس بود. تدریس وی در قالب طرح درس ۴۰ دقیقه ای برنامه ریزی شده بود. درست بعد از ده دقیقه از شروع تدریس دانش‌آموزان به تدریج مشغول خوردن و آشامیدن های متنوع شدند در حالی نو معلم ما مشغول تدریس درس ریاضیات بود. وقتی از معلم راهنما در مورد وضعیت و شرایط حاکم بر کلاس پرسیدم با لحن خاصی پاسخ داد: «نتیجه اعمال رویکردهای نوین آموزشی در کلاس درس است و دانش‌آموزان در نتیجه فضای صمیمی که در کلاس حاکم شده احساس راحتی می‌کنند». با همین گفتگوی کوتاه و البته با مشاهده موارد متعدد در مدارس مختلف، متوجه شدیم برداشت اشتباه از این رویکردها، مهارت‌های کلاس‌داری را به کدامین سمت و سو سوق داده است. برداشت‌های اشتباه و گاهی مقرون به صرفه باعث شده که جایگاه معلم و مدیریت وی در کلاس درس زیر سؤال برود. جدای از مباحث اخلاقی مربوط به تغذیه دانش‌آموزان پایه ششم (بر اساس مشاهداتم مشخص بود که عده‌ای حتی خوراکی برای خوردن نداشتند)، بحث خودکنترلی، رعایت دقیق مقررات آموزشی و تمرکز بر تدریس معلم برای این گروه سنی نادیده گرفته شده بود.

نگارنده بر اساس تجاربی که آنها را در کلاس‌های درس زیست کرده جدیت و صمیمیت را دو عنصر جدا نشدنی در مدیریت کلاس‌های درس می‌داند و معتقد است که در بسیاری از شرایط و موقعیت ها، باید جدیت را در اولویت کاری خود قرار دهیم سپس به سراغ ایجاد فضای صمیمی با شاگردان خود برویم.

۴. همدلی در کلاس درس

شروع هر کلاسی معمولاً با سلام و احوال‌پرسی به شیوه‌های خاص هر معلمی انجام می‌گیرد اما توجه به شرایط عاطفی و روحی شاگردان در کلاس درس شاید یکی از مهم‌ترین نتایج این مرحله باشد. در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ در یکی از مدارس حاشیه شهر به عنوان دبیر مطالعات اجتماعی فعالیت کردم. یکی از مهم‌ترین کار من در این مدرسه انجام اقدام پژوهی و با بهره‌گیری از قوم‌نگاری بود. در سال اول هرچند راهکارهایی برای نزدیک شدن با شاگردانم انتخاب و اجرا کردم اما جلب اعتماد آنها برای هم‌اندیشی بیشتر در مورد اتفاقات مدرسه و به ویژه رفتارهای ناسازگارانه آنها کافی نبود و به نظر می‌رسید به طور کامل به من اعتمادی نداشتند. برای سال دوم هم در همان مدرسه و در همان کلاس‌ها و همان برنامه درسی را داشتم. در سال دوم با توجه به پل‌های ارتباطی ایجاد شده جلب مشارکت آنها برای شرکت در فرایند یادگیری و مدیریت کلاس درس ساده به نظر می‌رسید به ویژه در فرصت‌های مناسب و به حق از آنها در برابر خواسته‌های مدیر و عوامل مدرسه دفاع می‌کردم هر چند که این مدافعه‌گری بیشتر در قالب ایفای نقش بود و اما این اقدامات و رفتارها بیش از پیش فاصله ارتباطی مرا با این دانش‌آموزان کمتر و کمتر کرده بود. در کلاس فضایی فراهم شده بود در قالب موضوعات درسی مطالعات اجتماعی اما شاگردانم از این فرصت برای بیان ناملایمتهای و دردهای روحی خویش استفاده می‌کردند. گروهی از دانش‌آموزان از نابرابری‌های ایجاد شده در نتیجه طبقه‌بندی مدارس به شدت گلایه مند بودند. یکی از آنها در این زمینه اظهار داشت: «چطور می‌شود که مدرسه‌ای واقع در خیابانی که ۳۰۰

متر با مدرسه ما فاصله دارد، امکاناتی آنچنانی دارد، حق انتخاب معلمان را دارد و برنامه‌های خاص اداره هم در این مدرسه تعریف و اجرا می‌شود در حالی که چنین حقوقی برای ما قایل نیستند».

۵. تسلط علمی و برنامه‌ریزی آموزشی

داشتن برنامه تدریس برای هر جلسه و همچنین برای هر ترم باعث عدم سردرگمی معلم در کلاس و ارائه پربازده تر و مفیدتر مطالب درسی می‌شود. اعلام برنامه هر جلسه در ابتدای کلاس و همچنین ارائه یک برنامه کلی برای هر نوبت درسی به دانش‌آموزان به آنها توانایی برنامه ریزی و مدیریت زمان مؤثر و مطالعه بهینه دروس را می‌دهد. داشتن طرح درس موجب می‌شود که معلم فعالیت‌های ضروری آموزشی را به ترتیب و یکی پس از دیگری، در مراحل و زمان‌های مشخص و به شیوه‌ای منطقی پیش ببرد و نتایج حاصل از آن را برای تدریس در مراحل بعدی آموزش مورد استفاده قرار دهد. داشتن برنامه تدریس توجه معلم را به انتخاب روش‌ها و فنون مناسب تدریس برای درس‌های مختلف جلب می‌کند. ورود به کلاس با برنامه از قبل طراحی شده به معلم کمک می‌کند مدیریت زمان داشته و شاید ابعاد فرایند یادگیری را تحت کنترل خود در آورد. از طرفی نگارنده خود بارها در طول سال‌های معلمی تجربه کرده است که تدوین برنامه از قبل طراحی شده برای معلم امکان تسلط بر موضوع تدریس را فراهم می‌کند. به طور کلی بر خورنداری از دانش بالا در کنار هر مهارت دیگری، برای معلم ضروری است. نگارنده معتقد است برخورداری معلم از دانش بالا در موضوع تدریس به مدیریت بهتر کلاس درس کمک می‌کند و زمینه را برای اجرای سایر مهارت‌های اساسی فراهم می‌کند.

عبرقراری ارتباط مستمر

تحقیقات نشان می‌دهند که تسلط معلم بر دانش موضوعی، تنها ۵۰ درصد بر روی موفقیت او در تدریس تأثیر می‌گذارد. ۵۰ درصد دیگر این موفقیت، به مهارت‌های ارتباطی او -ارتباط معلم با دانش‌آموزان، ارتباط معلم با والدین و سایر همکاران- بستگی دارد. همچنین ثابت شده است که میزان ارتباط و تعامل بین معلم و دانش‌آموز، تأثیر مستقیمی بر روی موفقیت تحصیلی شاگردان دارد (دیوید، ۲۰۱۵). بنابراین توانایی برقراری ارتباط مؤثر و ایجاد رابطه صمیمانه با دانش‌آموزان، والدین و همکاران، یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که هر معلمی باید در خود تقویت کند.

به اعتقاد نگارنده یکی مهم‌ترین ابزار برای ایجاد و حفظ ارتباط مؤثر با شاگردان، بازخورد است و معلم با استفاده مناسب از بازخورد های مثبت و منفی برای رفتارهای خوب و بد شاگرد، زمینه ایجاد روابط مناسب را فراهم می‌کند. البته استفاده بیش از حد از تشویق و بازخورد مثبت نیز سازنده نیست. دانش‌آموزی که به بازخوردهای مثبت و تمجید همیشگی معلم عادت کرده است، در شرایطی که مورد تشویق قرار نمی‌گیرد دچار سرخوردگی و بی‌انگیزگی می‌شود.

زبان بدن^۱ از دیگر ابزارهای مؤثر در ایجاد ارتباط مؤثر در کلاس است. من در طول چندین سال معلمی این مسأله را به خوبی متوجه شدم در بسیاری از موارد، برقراری ارتباط غیر کلامی مؤثرتر از ارتباط کلامی با شاگردان بوده است یا حداقل می‌توان از آن به عنوان مهارت مکمل در کنار مهارت‌های کلامی بهره گرفت. نمونه‌ها و تجارب متعددی در این زمینه می‌توانم مثال بزنم. برای مثال، برای جلوگیری از ایجاد تنش و درگیری، هیچ‌گاه از رفتارها و حرکات تهاجمی استفاده نمی‌کنم. بالای سر او دست به سینه و با صدای بلند شاگردم را مؤاخذه نمی‌کنم. بلکه در بسیاری از موارد کنار گوش او و با صدای آهسته به او تذکر می‌دهم و یا بیرون از کلاس در مورد رفتارهای منفی با او صحبت می‌کنم. این روش علاوه بر حفظ شخصیت دانش‌آموز، اثربخشی بیشتری نیز دارد. به طور کلی من معتقد هستم ایجاد ارتباط بخش مهمی از فرایند یادگیری در کلاس درس به شمار می‌رود و در کنار آن حفظ این ارتباط بسیار مهم است. به عبارتی من ایجاد ارتباط مستمر و حفظ آن در تمام طول فرایند تدریس را به عنوان یکی از عوامل اصلی در کلاس‌داری می‌دانم. علاوه بر آن، به اعتقاد من معلم حداقل باید در دو کانال ارتباطی با شاگردان خود در ارتباط باشد. کانال اولیه و کلی که به نوعی روابط معلم و شاگرد را برای یک نیمسال یا یک سال آموزشی تعریف می‌کند و کانال ثانویه که برای هر کدام از موضوعات درسی و متناسب با شرایط حاکم بر فضای کلاسی تعریف می‌شود و از موارد و ابزارهای متنوعی می‌توان برای این منظور بهره گرفت. یکی از عواملی که در بلند مدت و سال‌ها پس از دوران مدرسه باعث شده تا شاگردان روابط خوبی با من داشته باشند، به نظرم برقراری ارتباط خوبی بوده که من در طول حضور در مدرسه با شاگردان داشتم. ارتباط مستمر و مفید و البته تعریف شده و با حفظ ارزش و جایگاه معلمی در طول فرایند تدریس، از مهم‌ترین ویژگی‌های روابط من به عنوان معلم با شاگردانم بوده است. عواملی که باعث شده است حتی پس از گذشت چندین سال (در برخی موارد حتی با گذشت بیش از یک دهه) آنها با من روابط صمیمانه‌ای داشته باشند.

۷. ارزشیابی برای یادگیری

هیچ یک از این زمینه‌های منفرد از آموزش معلمان، مدیریت کلاس درس را متعلق به حوزه خود نمی‌داند. کسانی که در آموزش عالی هستند و بر دانش محتوا، مبانی روانشناختی، آموزش و دانش محتوای آموزشی تمرکز می‌کنند، حوزه کاری خود را برای بهبود یادگیری دانش‌آموز می‌دانند. در حالی که ما مدیریت کلاس درس را به عنوان یک موضوع مهم در نظر می‌گیریم، تمرکز آن بر رفتار دانش‌آموزان به جای یادگیری، باعث می‌شود کسانی درباره‌ی آن پژوهش کنند، که اصلاً مدیریت کلاسی تخصص اصلی‌شان نیست. تا زمانی که مدیریت کلاس درس را بر اساس تأثیر آن بر یادگیری ارزیابی نکنیم، افراد متخصص آن را جدی نمی‌گیرند (آیزمن و همکاران، ۲۰۱۵).

به اعتقاد نگارنده یکی از دلایل عدم همکاری دانش‌آموزان در فرایند یادگیری، طولانی بودن بیش از حد تدریس اصلی در کلاس درس است که منجر به خستگی شاگردان می‌شود. من در بیشتر تدریس‌های خودم و در

بسیاری از کلاس‌ها، تمام زمان کلاس را به عمل تدریس مستقیم اختصاص نمی‌دهم. بخش اعظمی از تدریس با توجه به موضوع و شرایط کلاس، به فعالیت اختصاص می‌یابد. فعالیت‌های مختلف در حوزه ارزشیابی به عنوان بخشی از فرایند یادگیری نمونه‌ای از این فعالیت‌هاست. به عبارتی من از ارزشیابی برای یادگیری و تکیل آن استفاده می‌کنم. این کار مزایایی برای من داشته است اول اینکه از این فرایند برای مدیریت کلاس استفاده می‌کنم، دوم اینکه از این فرصت برای تثبیت یادگیری استفاده می‌کنم و اینکه شاگردان فرصت مشارکت در یادگیری را کسب می‌کنند و خیلی زود احساس کسالت نمی‌کنند. در نتیجه این شرایط زمینه‌ای را فراهم می‌کند که معلم علاوه بر نقش تدریس، نقش مربی‌گری را به معنای واقعی انجام دهد و بسیاری از وظایف معلمی خود را از این طریق انجام دهد.

۸. آزمون ابزاری برای مدیریت و کلاس‌داری

امروزه من معتقدم که آزمون در محیط آموزش رسمی ما ابهت و جایگاه خود را از دست داده است. اگر قرار است از آزمون به عنوان یکی از ابزارهای ارزشیابی در فرایند کلاسی استفاده شود باید مقررات و قوانین مربوط به آن تعریف و به دقت اجرایی شود. به این دلیل که بر اساس مفهوم برنامه درسی پنهان، دانش‌آموزان بسیاری از آموزه‌ها و تجارب مفید را در قالب اجرای مقررات مدرسه یاد می‌گیرند. فارغ از اینکه آزمون‌ها در بسیاری از مدارس ما به ویژه در دوره‌های متوسطه اول و دوم به عنوان اصلی‌ترین ابزار سنجش دانش‌آموزان به شمار می‌روند، از آن می‌توان به عنوان ابزاری برای مدیریت کلاسی نیز استفاده کرد. در یکی از سال‌های تدریسم، مدیر مدرسه کلاسی را برای من و چند معلم دیگر معرفی کرد که از عهده کنترل و مدیریت آنها عاجز مانده است. من نیز به همراه سایر معلمان به عنوان دبیر برای یکی از موضوعات درسی که از نگاه دانش‌آموزان اهمیت کمتری داشت به این کلاس معرفی شده و مشغول به کار شدم. در همان جلسات اول این پیام‌ها را از طرف شاگردانم دریافت کردم که این درس و کلاس من در مقایسه با دروس با اهمیتی همچون ریاضی و علوم و زبان (البته در نگاه دانش‌آموزان)، هیچ جایگاهی ندارد. همان جلسات اول برای من همانند سایر معلمان به سختی می‌گذشت. زمان این کلاس طولانی به نظر می‌رسید چون شرایط حاکم بر فضای کلاسی خوب نبود و مدیریت کلاس برای هر کسی از جمله برای من سخت و دشوار بود. در جلستان شورای دبیران، جلسات هم‌اندیشی با عوامل و معاونین مدرسه و نیز هم‌اندیشی با همکاران راه به جایی نمی‌بردیم. تمام راه کارها آزمون پس داده و شکست خورده بودند. هر چند رفتار و اقدامات برخی از همکاران هم بر این آشفتگی دامن می‌زد اما من تصمیم گرفتم راه خودم را بروم. از آنجا دقیقاً مشاهداتم بی‌اهمیتی موضوع درسی را در نگاه شاگردان تأیید کرده بود، تصمیم گرفتم شرایط سختی بر کلاس حاکم کنم، تدریس جدی، طراحی سؤالات متعدد و ارزشیابی سخت. در جلسات اول پیش‌بینی می‌کردم هیچ توجهی به رویکرد من نشود و حتی در برخی موارد شرایط سخت‌تر هم می‌شد اما بر راه کار خودم اصرار کردم. امتحان سخت ماهانه با مقررات خاص و با طراحی سؤالات خاص. در وهله اول هدفم کنترل بر اوضاع بود لذا نمرات حاصل از آزمون‌ها با توجه به سؤالات سختی که طراحی کردم

بود، به دقت ثبت می‌شد و در قالب فرمی برای اولیا ارسال می‌شد. هیچ بازخوردی از طرف اولیای گروه هدف دریافت نمی‌شد. جلسات بعد با جدیت کامل ادامه یافت آزمون جدی با مقررات خاص و با سؤالات خاص. همچنان بی‌اعتنایی به درس و کلاس و نمره ادامه می‌یافت. در یکی از جلسات یکی از دانش‌آموزان به صراحت گفت: «آقای فلانی معلم ریاضی ماست از هم اکنون نمرات عالی خود را گرفتیم شما می‌خواهید در این درس به ما نمره ندهید؟». در پایان نیمسال با اعلام نتایج و مراجعه اولیا آثار کار خود را به تدریج مشاهده می‌کردم. هدف من توجه اولیا و دانش‌آموزان به درس در نتیجه مدیریت آنها بود که محقق شد. با شروع نیمسال دوم تفاوت عمده‌ای در رفتار آنها مشاهده کردم. هم‌زمان با مشاهده این تغییرات مثبت، انعطافی هم در رفتار و راهکار خود ایجاد کردم. به تدریج فضای صمیمی ایجاد کردم البته با احتیاط کامل و ورزش اصلی‌ترین ابزار برای ایجاد این فضای صمیمی بود. به پیش رفتن کلاس در نیمسال دوم این کلاس به یکی از راحت‌ترین کلاس‌های من در عمر معلمی تبدیل شد طوری که سایر معلمان و عوامل مدرسه نیز این شرایط را مشاهده کردند و از علت این تغییرات اساسی می‌پرسیدند. تنها دلیل عمده موفقیت در این شرایط این بود که توجه به مشاهداتم، از آزمون و ارزشیابی به عنوان ابزاری برای کلاس‌داری بهره‌بردم و بر مقررات آن اصرار داشتم.

۹. درگیرسازی ذهنی دانش‌آموزان

در باب اهمیت داشتن توانایی مدیریت کلاسی در پژوهش وانگ (۲۰۰۹) آمده است که موفقیت معلم در طول سال تحصیلی تا حد زیادی بر اساس اتفاقات روزهای اول سال تحصیلی تعیین می‌شود. شاید یکی از مهم‌ترین کارها که معلم باید در همان روزهای اول به طور جدی پیگیری و اجرا کند نفوذ در دل شاگردان و تسخیر ذهن آنهاست. امروزه با قدرتمند شدن مولفه‌های یادگیری غیر رسمی و افزایش اثربخشی آن بر فرایند رشد تربیت کودکان و نوجوانان این کار ضرورت دارد. بسیاری از آموخته‌ها و تجارب شاگردان بر گرفته از یادگیری‌های غیر رسمی اتفاق می‌افتد تجاربی که حاصل از محیط‌هایی همچون محیط همسالان، جامعه، خانواده و فضای مجازی کسب می‌شود در محیط آموزش رسمی نیز حاکمیت دارند. لذا براساس مشاهداتی که در طول سالها داشته‌ام معتقدم معلم برای کنترل و کاهش اثرات منفی و مخرب آموخته‌های رسمی، بر ذهن و فکر شاگردان مسلط باشد. مهارت‌های خاصی برای این کار لازم است. از دید نگارنده برقراری روابط صمیمانه و البته تعریف شده اولین گام در این مسیر است. معلم به واسطه ایجاد فضای رسمی توأم با صمیمیت زمینه را برای نفوذ در دل شاگردان فراهم می‌کند. من تجربه موفق داشتم که توجه به نیازمندی‌ها و علایق شاگردان در فرایند یادگیری و حین تدریس مسیر را برای معلم در این زمینه هموار می‌کند. استفاده از کاربردی از مهارت‌هایی همچون هنر و توجه به اساعدهای شاگردان یا توجه به فعالیت‌های مورد علاقه شاگردان مثل فعالیت‌های ورزشی، توجه به مسایل و اتفاقات روزانه جامعه هر چند برای مدت بسیار کوتاهی و ارتباط دادن آنها به فرایند یادگیری و همسویی با آنها در زمان‌ها و موضوعات مناسب از نمونه راه کارهایی است که نگارنده آنها را در

تسخیر افکار شاگردان مناسب می‌داند. علاوه بر آن ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری معلم نیز در این مسیر اثرگذار است. رفتار جدی البته توأم با انعطاف‌پذیری در موقعیت خاص و در شرایط مناسب، تواضع و فروتنی در رفتار با شاگردان و پرهیز از خود برتر بینی از نمونه‌های بارز این ویژگی‌ها هستند که به معلم در نفوذ بر اذهان شاگردان و تأثیرگذاری بر افکار آنها کمک می‌کند. به طور خلاصه یافته‌های حاصل از پژوهش خودزیست‌نگاری محقق به شکل زیر نمایش داده شده است:



شکل ۱) مهارت‌های کلاس‌داری معلم
Figure 1
Teachers' Classroom Management Skills

بحث و نتیجه‌گیری

ارتباط بین نظریه و عمل همواره از موضوعات اصلی مطالعات برنامه درسی بوده است. اینکه بخواهیم مهارت‌های مدیریت و کلاس‌داری در موقعیت‌های مختلف را فقط با مبانی نظری تبیین کنیم و تمام مسایل و مشکلات پیش آمده در کلاس‌های درس را با تکیه بر دیدگاه‌های نظری که در خیلی از موارد

غیربومی نیز بوده اند، ساده انگاری بیش نیست. از طرفی، مدیریت کلاس یک مسئله محاسباتی نیست که با استفاده از اعداد و ارقام و فرمولهای از پیش تعیین شده بتوان آن را حل کرد. مدیریت کلاس یک فرایند پویا است و باید توجه داشت که هر کلاسی به نحوی از کلاس‌های دیگر متمایز است و به همین خاطر روش‌های مدیریتی خاص خودش را هم طلب می‌کند. معلم موفق ابتدا ظرفیت و دانش پیشین دانش‌آموزانش را می‌سنجد و سپس بر اساس این اطلاعات روش‌های مناسب را برای مدیریت کلاس خود بر می‌گزیند (ادواردز و کاشمن، ۲۰۱۵). در اکثر مواقع معلم پس از گذراندن مدت زمانی با دانش‌آموزان به مرور با ویژگی‌های خاص هر دانش‌آموز آشنا می‌شود. معلم می‌تواند با استفاده از این اطلاعات با دانش‌آموزان خود روابط شخصی و جداگانه برقرار کند (اسکریونر، ۲۰۱۲). به طور کلی برخورداری معلم از مهارت‌های مدیریتی در کلاس درس این امکان را فراهم می‌کند تا زمینه رشد و تعالی شاگردان در کلاس فراهم شود و با فراغت بال بتوانند در فرایند یادگیری مشارکت داشته باشند. اما نکته مهم که مجدداً باید تأکید شود، مهارت‌های مدیریتی متناسب با شرایط کلاسی، متفاوت است و نمی‌توان به تعداد معدودی مهارت و به صورت مطلق در این زمینه اشاره نمود. محقق در این پژوهش تلاش کرده تا با مطرح کردن و سازماندهی تجارب چندین ساله خود در ارتباط با این موضوع، مهارت‌های عملی خود را در کلاس‌ها تبیین کرده و برای نومعلمان، دانشجومعلمان و سایر معلمان علاقمند به اشتراک گذاشته و با توجه به تحصیلات آکادمیک در این حوزه به نوعی بین مبانی و دیدگاه‌های نظری و حوزه عمل در مدیریت و کلاس‌داری ارتباط سودمندی برقرار کند. بر اساس یافته‌های این پژوهش مهم‌ترین مهارت‌های کلاس‌داری معلم در عصر امروزی را می‌توان به شرح زیر برشمرد: شناخت و پیشگیری فعالانه، اقتدار، صمیمیت در کلاس درس، همدلی در کلاس درس، تسلط علمی و برنامه‌ریزی آموزشی، برقراری ارتباط مستمر، ارزشیابی برای یادگیری، آزمون ابزاری برای مدیریت و کلاس‌داری، درگیرسازی ذهنی دانش‌آموزان. نکته بسیار مهم در این زمینه اینکه به هیچ عنوان نمی‌توان این مهارت‌های را به شکل خطی و برای تمام موقعیت‌ها به کار گرفت. همه این مهارت‌ها در شرایط متعددی ممکن است مفید باشند و این مهارت‌ها را می‌توان به صورت ترکیبی به کار گرفت. شاید یکی از مهم‌ترین مهارت‌ها در زمینه مدیریت و کلاس‌داری که در بین سایر مضامین هم مشترک است، برقراری ارتباط مستمر است. اهمیت روابط مستمر و قوی بین دانش‌آموز و معلم به خوبی ثابت شده است. مطالعات متعدد نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که روابط و ارتباط قوی تری با معلمان خود دارند، سطوح بالاتری از انگیزه تحصیلی، مشارکت و پیشرفت را نشان می‌دهند. از طرفی ماهیت تعاملی آموزش، فرصت‌هایی را برای معلمان فراهم می‌کند تا روابط خود را با دانش‌آموزان خود آغاز و حفظ کنند. این عامل را می‌توان از طریق آموزش روشن و معتبر در مورد قوانین و با کار فعالانه برای ایجاد یک محیط کلاسی فراگیر ارتقا داد. این راهبردها به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در طول آموزش احساس تعلق و راحتی کنند و در نتیجه کار مدیریت را برای

معلم راحت تر می کند (اورزول و همکاران^۱، ۲۰۲۰). به طور کلی مدیریت کلاس یک رابطه بین فردی است که شامل ترکیب درک انگیزه دانش آموزان، نظریه یادگیری و رشد انسانی است. به عنوان یک گونه اجتماعی، ما از طریق مشاهدات و تعاملات خود با دیگران یاد می گیریم و محیط مدرسه در درجه اول یک محیط اجتماعی و تعاملی است که اهمیت زیادی به این روابط می دهد. اولین نظرات ما در مورد مدرسه زود شکل می گیرد و تا حد زیادی تحت تأثیر روابط معلم و دانش آموز قرار می گیرد. لحظه ای وقت بگذارید و به یکی از به یاد ماندنی ترین معلمان خود فکر کنید. چه چیزی در آنها وجود دارد که آن رابطه را به یاد ماندنی کرده است؟ احتمالاً این روشی است که آنها تحصیلات شما را غنی کرده اند، با شما صحبت می کنند، در مورد زندگی شما جویا می شوند، به شما بازخورد می دهند. به طور خلاصه باید گفت که مفهوم روابط در کلاس درس مهم است.

به طور کلی می توان گفت که همه صاحب نظران بر اهمیت مهارت های کلاس داری و نیز تأثیر کلاس داری کارآمد بر رشد و توسعه شاگردان در همه زمینه ها اتفاق نظر دارند. کوپرشاک و همکاران^۲ (۲۰۱۶) نشان دادند که استفاده از راهبردهای مناسب مدیریت در کلاس درس و به کارگیری مهارت های مرتبط با آن باعث ارتقای تحصیلی و رفتاری شاگردان می شود و پیامدهای مثبت عاطفی و انگیزشی برای آنها به ارمغان می آورد. این مهارت ها را می توان در قالب برنامه های آموزش معلمان در مراکز تربیت معلم و یا دوره های تکمیلی برای معلمان آموزش داد تا معلمان بتوانند از تجارب علمی و نیز تجارب عملی سایر معلمان در ارتقای مهارت های مدیریتی خود بهره ببرند. از طرفی بسیاری، آموزش مؤثر و با برنامه را یکی از مهم ترین حوزه های مهارتی برای کلاس داری موفق می دانند و آن را پایه و اساسی برای همه مهارت های مربوط به مدیریت کلاسی معرفی می کنند. در واقع آموزش مؤثر را می توان به عنوان استفاده جمعی از شیوه های آموزشی معلم تعریف کرد که تلاش می کند تا احتمال موفقیت شاگرد را به حداکثر برساند (اسکات^۳، ۲۰۱۷).

References

منابع

- Cavendish, W. (2013). Student perceptions of school efforts to facilitate student involvementschool commitment, self-determination, and high school graduation. *Social Psychology of Education: An International Journal*, 16(2), 257-275. doi:10.1007/s11218-013-9212-z.
- David, A. (2015). *The Importance of Communication in Education*. Retrieve from Online on 15/08/2015 <http://www.techlearning.com/blogentry/8716>

1- Urszul et al

2- Kopershoek et al

3- Scott

- Eisenman, G., Edwards, S., & Cushman, C. A. (2015). Bringing reality to classroom management in teacher education. *Professional Educator*, 39(1), n1.).
- Emdin, C. (2020). *Keynote [Conference session]*. Educator Summit, Philadelphia, PA, United States. <https://educatorsunion.mit.edu>.
- Furrer, C. J., Skinner, E. A., & Pitzer, J. R. (2014). The influence of teacher and peer relationships on student's classroom engagement and everyday motivational resilience *National Society for the Study of Education*, 113(1), 101-123.
- Gasser, L., Grütter, J., Torchetti, L., & Buholzer, A. (2018). Competitive classroom norms and exclusion of children with academic and behavior difficulties. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 49, 1-11. doi: 10.1016/j.appdev.2016.12.002.
- Ingersoll, R. M., & Smith, T. M. (2003). The wrong solution to the teacher shortage. *Leadership*, 60(8), 30-33.
- Korpershoek, H., Harms, T., de Boer, H., van Kuijk, M., & Doolaard, S. (2016). A meta-analysis of the effects of classroom management strategies and classroom management programs on students' academic, behavioral, emotional, and motivational outcomes. *Review of Educational Research*, 86(3), 643-680. <https://doi.org/10.3102%2F0034654315626799>
- Kunsting, J., Neuber, V., & Lipowsky, F. (2016). Teacher self-efficacy as a long-term predictor of instructional quality in the classroom. *European Journal of Psychology Education*, 31, doi:10.1007/s10212-015-0272-7.
- Roache, J. E., & Lewis, R. (2011). The carrot, the stick, or the relationship: What are the effective disciplinary strategies? *European Journal of Teacher Education*, 34(2), 233-248.
- Safavi, Amanullah (2001) *Teaching methods, techniques and models*. Tehran. Side Publications.
- Scott, T. M. (2017). *Teaching behavior: Managing classrooms through effective instruction*. Corwin Press.
- Scherzinger, M., & Wettstein, A. (2019). *Classroom disruptions, the teacher-student relationship classroom management from the perspective of teachers, students and external observers: A multimethod approach*. Learning Environ Res, 22, 101-116 doi:10.1007/s10984-018-9269.
- Scrivener, J. (2012). *Classroom management techniques*. Cambridge University Press).
- Shirkarami, Javad, Khodaday Qasem (2018) Education, Humanization and Social Reform. *Journal of New Achievements in Humanities Studies*. First Year, Issue 1.
- rszul, P., Murphy, D., & Joseph, S. (2020). *A systematic review and metasynthesis of qualitative research into teachers' authenticity*. Cambridge Journal of Education. <https://doi.org/10.1080/0305764X.2020.1829546>
- Wang, H., Hall, N. C., & Rahimi, S. (2015). Self-efficacy and causal attributions in teachers: Effects on burnout, job satisfaction, illness, and quitting intentions.

Teaching and Teacher Education, 47, 120– 130. [https:// doi.org/ 10.1016/ j.tate.2014.12.005](https://doi.org/10.1016/j.tate.2014.12.005)

Wong, H.K., & Wong, R.T. (2005). *How to be an effective teacher: the first days of school*. Mountain View, CA: Harry K. Wong Publication, Inc. .